

شهروندی شهری: حقوق و تکالیف شهروندان در شهر تهران

ملیحه شیانی* ، حنان زارع**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۱۳

چکیده

بی‌تردید شهروندی شاخصی کلیدی برای جوامع مدرن محسوب می‌شود و مهمتر آنکه شهروندی دارای مجموعه گسترده‌ای از حقوق و تکالیف مدنی، سیاسی و اجتماعی است که می‌تواند در عرصه شهر تبلور یابد. شکل‌گیری شهروندی در ایران را می‌توان در دو سطح «شهروند ملی» و «شهروند شهری» بررسی کرد. در واقع شهروند شهری سوگیری‌های افراد نسبت به استحقاق در برخورداری از خدمات شهری مختلف، برابری در فرصت‌های عمومی و بهره‌مندی از امکانات و رفاه شهری است که با مجموعه‌ای از مسئولیت‌ها، تمایلات کنشی افراد پیرامون تعهدات و مشارکت در امور شهر همراه می‌شود. «شهروند شهری» بر دو بعد اساسی «حقوق شهروندی» و «تکالیف شهروندی» استوار است که در این پژوهش در میان شهروندان تهرانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. روش انجام این پژوهش پیمایش با استفاده از تکنیک پرسشنامه بوده و بدین منظور ۲۴۰۰ نفر از افراد ۱۵ سال به بالای مناطق مختلف شهر تهران با استفاده از شیوه نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که ۳۵ درصد مردم شهر تهران میزان برخورداری از

* دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

mshiani@ut.ac.ir

** کارشناس ارشد برنامه ریزی رفاه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. hamnan_zare@ut.ac.ir

حقوق شهروندی را در حد کم، و در مقابل ۱۹ درصد آن را حد زیاد بیان داشته‌اند. همچنین زنان تهرانی بیش از مردان به رعایت تکالیف شهروندی، مجردان، کمتر از متأهلان، افراد بدون همسر و همچنین افراد ۱۵ تا ۲۴ ساله جامعه در مقایسه با سایر گروه‌های سنی کمتر به رعایت تکالیف شهروندی می‌پردازند. افراد هر چه سال‌های بیشتری در شهر تهران زندگی کرده باشند، احساس تکالیف بیشتری نموده و نیز بیشتر به رعایت وظایف شهروندی می‌پردازند. بنابراین می‌توان دریافت در عرصه شهری برخورداری از حقوق و رعایت تکالیف بطور یکسان در میان گروه‌های اجتماعی توزیع نشده و این امر بایستی در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های شهری مورد توجه قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: شهروندی شهری، حقوق، تکالیف، شهروند، تهران

مقدمه و طرح مسئله

شهروندی از مهم‌ترین ایده‌های سیاسی اجتماعی عصر کنونی است که در تفکرات جامعه‌شناسی به مهم‌ترین ملاک مشروعیت نهادهای دموکراتیک بدل گردیده است، به طوری که بسیاری از مسائل اجتماعی از منظر نظریه‌های شهروندی مورد بررسی قرار می‌گیرند. واژه شهروند معمولاً با واژه دولت همراه است و ظهور مدرن آن را می‌توان مصادف با پیدایش نخستین دولت‌های ملی دانست که مطابق آن، دولت قدرت خود را ناشی از ملت دانسته و در قبال ملت احساس مسئولیت می‌کند. شهروند نیز در دولت‌های جدید، برخلاف رعیت در دولت‌های قدیم، از حقوق و تکالیف متقابل در ارتباط با دولت برخوردار است که از جمله این حقوق می‌توان به آزادی عقیده و بیان، تساوی در مقابل قانون، مصون بودن جان، مال، مسکن و شغل از تعرض، تشکیل اجتماعات، تأمین اجتماعی، آموزش و پرورش رایگان، حق دادخواهی، حق تابعیت اشاره کرد که در برابر برخورداری از هر کدام تکالیفی نیز بر فرد مترتب می‌شود (مارشال، به نقل از ترنر، ۱۹۹۴).

از سوی دیگر انسان از دیر باز در جهانی می‌زیسته که ثابت نبوده و دگرگونی‌های عظیمی را پشت سر گذاشته است. اما سرعت این تحولات در قرن بیستم و در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ بسیار زیاد بوده و به دلیل فراگیری ارتباطات ناشی از پیشرفت‌های علمی و فنی در دهه ۱۹۹۰ به جهانی شدن انجامیده است. جهانی شدن در حقیقت یکی از مراحل پیدایش و گسترش تجارت و سرمایه‌داری جهانی است که سابقه آن به قرن پانزدهم باز می‌گردد. اما امروزه جهانی شدن بیشتر بر ابعاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی این فرآیند کلی اطلاق می‌شود. جهانی شدن در بردارنده فرآیندهای دگرگونی اجتماعی در ابعاد فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است. در این فرآیند اجتماعی محدودیت‌های جغرافیایی از بین می‌روند و مردم به طور فزاینده نسبت به رفع این محدودیت‌ها آگاهی می‌یابند. نوآوری در تکنولوژی اطلاعاتی و ارتباطات در مقایسه با اعصار گذشته دسترسی به فرهنگ‌ها را آسان نموده است. یکی از نتایج آن، در اختیار قرار دادن منبعی فرهنگی است. فرهنگ جهانی، مردم را از محدوده تنگ خودخواهی‌ها و منابع ملی فراتر می‌برد. در این فرآیند، تشدید روابط اجتماعی مشاهده می‌شود، روابطی که موقعیت‌های مکانی دور از هم را بهم پیوند می‌دهد که هر رویداد محلی از تأثیر رویدادهای دیگر با کیلومترها فاصله شکل می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۷۷). در دهه‌های اخیر تحولات پدید آمده در سطح جهان، شهروندی را نه تنها به عنوان موضوع رفتار در جامعه، حقوق و وظایف افراد و تکالیف و مسئولیت‌های دولت و مشارکت، بلکه به عنوان موضوعی نیازمند تفکر و تجربه مطرح نموده است. اهمیت این موضوع زمانی آشکار می‌شود که اغلب تحولات در شهرها و به ویژه کلانشهرهایی چون تهران رخ داده است. به عبارتی مرکزیت سیاسی و اقتصادی شهر تهران بر روند اثرپذیری جهانی افزوده است. لذا در چنین شرایطی جامعه نیازمند شهروندی پایدار در چارچوب حقوق و مسئولیت‌های شهروند شهری شناخته شده و به کار گرفته شده است.

باید متذکر شد که شهر تهران با مسائل متعددی مانند جرائم خشونت‌بار، حاشیه‌نشینی، آلودگی‌های زیست‌محیطی، کمبود مسکن، معضلات ترافیکی، بافت‌های

فرسوده، کمبود فرصت‌های فراغتی و تفریحی، مراکز بهداشتی و درمان در زندگی شهری روبرو است. حل این مسائل نیازمند تعامل اثرگذار میان مدیریت شهری و شهروندان است. با تحقق شرایط ایده‌آل حکمرانی خوب در کلانشهر تهران می‌توان امیدوار به مشارکت سازنده و اثرگذار شهروندان بود که نتیجه آن کاهش مسائل شهری باشد. بنابراین فضای اجتماعی شهر تهران نیازمند توسعه مبتنی بر اصل شهروندی شهری است که از یک سو بستر مناسب را برای مشارکت شهروندان در امور شهری فراهم سازد و از سوی دیگر پاسخگوی مطالبات و خواسته‌های آنان به عنوان شهروندانی فعال و مسئول گردد که در چارچوب حقوق و تکالیف شهری و شهروندی به تعامل با مدیریت شهری بپردازند. تجربه کشورهای درحال توسعه که از پرداختن به ابعاد حقوق شهروندی تعلل ورزیده و صرفاً در تلاش برای تأمین معاش و مایحتاج اولیه شهروندان خود بوده‌اند، نشان می‌دهد که بدون جلب مشارکت مردم در فرآیندهای اجتماعی، انتظار مشارکت در اداره امور جامعه و ادای تکلیف و وظایف از طریق فعالیت‌های داوطلبانه امری بیهوده و غیر قابل اجتناب است. همین الگو در سطح دیگر یعنی اداره امور کلان‌شهرها و آسیب‌شناسی دلایل عدم رعایت حقوق و تکالیف شهروندی صادق است. این ضرورت و اهمیت باتوجه به تحولات ایران و شهر تهران و مسأله رشد جمعیت و تبعات آن نمایان می‌شود.

براساس سرشماری‌های نفوس و مسکن، جمعیت ایران در سال ۱۳۵۵ با نرخ رشد ۲/۷، ۱۳۶۵ با نرخ رشد ۳/۹ و ۱۳۷۰ با نرخ رشد ۲/۴۶ درصد افزایش یافته است. این نرخ در سالهای ۱۳۷۰-۱۳۷۵ به ۱/۴۷ درصد رسیده است. جمعیت کشور در سال ۱۳۸۵ به حدود ۷۰ میلیون نفر رسیده که ۶۸/۲ درصد در نقاط شهری ساکن هستند. با وجود کاهش نرخ باروری و تدابیر جمعیتی همراه با افزایش نرخ رشد جمعیت روند شهرنشینی نیز سرعت بیشتری گرفت و نرخ رشد سالانه جمعیت شهرنشین در ۱۳۵۵-۱۳۶۵ به ۵/۴، در ۱۳۶۵-۱۳۷۵ به ۲/۹ درصد و در دهه ۱۳۷۵-۱۳۸۵ به میزان ۱/۶۲ درصد رسیده است. از جمله عوامل مؤثر بر آن مهاجرت به نقاط شهری بوده است.

سرشماری‌ها نشان می‌دهد که شهر تهران با اختصاص ۳۱ درصد مهاجران کل کشور به خود مهاجرپذیرترین شهر کشور بوده است. مطابق نتایج از این میزان تنها ۱۰ درصد مهاجرت‌های شهر تهران درون استانی و مابقی خارج از حوزه استانی بوده است (سرشماری نفوس و مسکن: ۱۳۸۵). تغییرات جمعیتی بازتاب دهنده موقعیت ویژه شهر تهران در میان دیگر شهرهای کشور است. این تغییرات بیانگر تحولات عظیم اجتماعی است که در طول چند دهه اخیر در شهر تهران رخ داده است. در این میان مدیریت شهری شهر تهران با موضوعات و مسائل ناخواسته‌ای مواجه شده که کار را بر آنها دشوار نموده است.

بدیهی است توسعه همه جانبه شهر تهران از یکسو نیازمند تقویت و گسترش نهادها و سازوکارهایی همچون حاکمیت قانون و مشارکت مردم است و از سویی دیگر نیازمند توانمندسازی افراد است تا به حد کافی قدرت مشارکت در امور را به دست آورند. توجه به حقوق و مسئولیت‌های شهروندی نه تنها بهبود وضعیت حقوقی را فراهم می‌آورد بلکه با بسط انتخاب‌های اجتماعی و سیاسی شهروندان زمینه گسترش ظرفیت‌ها را به وجود می‌آورد. در توجه به حقوق و مسئولیت‌های شهروندی شهری گام‌های مهمی در تهران برداشته شده با این وجود بسیاری از قوانین و اقدامات اجرایی نتوانسته سبب حل مشکلات و تغییر رفتار در راستای رعایت حقوق و انجام تکالیف شهروندان و مدیران شهری شود.

بنابراین برای نهادینه شدن حقوق و مسئولیت‌ها و بسط مشارکت شهروندان ضرورت انجام این تحقیق به خوبی احساس می‌شود، در واقع با انجام این پژوهش گامی در جهت شناسایی حقوق و مسئولیت‌های شهروندی شهری برداشته می‌شود که می‌تواند در کوتاه‌مدت باعث کاهش هزینه‌ها و در دراز مدت مبنای سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های شهری گردد. با توجه به نکات فوق می‌توان ضرورت پژوهش در حوزه شهروندی شهری را از لحاظ نظری و کاربردی دریافت. از لحاظ نظری باعث ارتقاء سطح شناخت و دانش افراد شده و موجبات تصحیح و دگرگونی برداشت‌ها و نگرش‌ها

را فراهم می‌کند. از لحاظ کاربردی نیز با راهیابی خردمندان، آگاهانه و واقع بینانه نسبت به این مسأله می‌توان روند برنامه‌ریزی‌ها را بر مبنای علمی قرار داد و گامی مؤثر در حل مشکلات جامعه و بهسازی محیط برداشت. بر این اساس این پژوهش بر آن است تا به بررسی وضعیت حقوق و تکالیف شهروندان در شهر تهران در قالب شهروند شهری بپردازد.

چارچوب نظری

به منظور ساماندهی و تنظیم فکر درباره وضعیت شهروندی در مناسبات شهروندان و تحقق شهروندی شهری و همچنین شناسایی عوامل مؤثر بر عدم رعایت حقوق و تکالیف در جامعه شهری تهران منابع متعدد مطالعه گردید. نتایج بررسی نشان می‌دهد که نظریه یا مدل واحدی تبیین‌گر مسأله نخواهد بود و صرف تصویب قوانین، رعایت حقوق و تکالیف شهروندی را به دنبال نخواهد داشت. البته به عنوان یک اصل مهم باید پویایی و بستر اجتماعی جامعه ایران را هم در نظر داشت. بنابراین، چارچوب نظری پژوهش را ترکیب و تلفیق دیدگاه‌ها، تجارب و شرایط جامعه ایران تشکیل می‌دهد. در ساختار جامعه ایران پیچیدگی‌های خاصی وجود دارد که به لحاظ تاریخی گاه حرکت به سوی شهروندی و گاه انقطاع حرکت را به شکل تناقض آمیزی به تصویر می‌کشد. با این حال در این مسیر به ویژه پس از تحولات پدید آمده ناشی از انقلاب اسلامی با تصویب قوانین در زمینه حقوق و تکالیف شهروندی در قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام در سند چشم انداز و قوانین شهرداری گام‌های مؤثری در تحقق شهروندی برداشته شد. اما نکته مهم آن است که شهروندی صرفاً به شکل حقوق و قوانین مصوب، اعمال و محقق نمی‌شود بلکه نیازمند فراهم شدن زمینه‌هایی است که در نظریه‌ها به آن پرداخته شده است.

از مفاهیم، مؤلفه‌ها و مدل‌های مطروحه در این زمینه چنین برمی‌آید که شهروندی بازتاب مجموعه انتظارات درباره حقوق و مسئولیت‌هایی است که یک اجتماع خاص و اعضایش از یکدیگر دارند. در این پژوهش، شهروندی در برگرفته مجموعه حقوق و تکالیفی است که در مناسبات شهروندان تعریف شده است. این عنصر در ارتباط با مدیریت شهری در بردارنده تمام فعالیت‌های مؤثر بر تصمیم‌گیری و تخصیص منابع است. اصولی از قبیل شفافیت، پاسخگویی، برابری، مشارکت، اثربخشی و بینش استراتژیک که مدیران شهری برای جامه عمل پوشاندن به حقوق و مسئولیت‌ها و شرایط مناسب برای برآوردن انتظارات اعضای جامعه فراهم می‌کنند. از مجموع تعاریف ارائه شده و براساس قوانین، شهروندی از یک سو در بردارنده حقوق مدنی، سیاسی و به ویژه اجتماعی و مشارکتی (شهروندی اجتماعی و فعال) و از سویی دیگر مشتمل بر تعهدات، مسئولیت‌ها و تکالیف در ابعاد مختلف است. طبق نظر صاحب‌نظران حقوق و تکالیف شهروندی در ارتباط متقابل معنا می‌یابند و بایستی توسط دیگران به رسمیت شناخته شده و رعایت شوند.

آنچه مسلم است، شهروندی نیازمند چارچوبی برای شناسایی و ساز و کارهایی برای رعایت حقوق و تکالیف است. بر مبنای نظریه‌های بررسی شده رعایت حقوق و تکالیف شهروندی نیازمند به رسمیت شناخته‌شدن از سوی جامعه است که مهمترین بستر آن قوانین است. پس چنانچه در قوانین موجود در حیطه مدیریت شهری نقاط ضعفی وجود داشته باشد، دیگر انتظار رعایت حقوق و ادای تکالیف معنادار نخواهد بود. درحقیقت حقوق شهروندی، حقوقی هستند که گروه‌های مختلف از آن حمایت می‌کنند و توسط دولت تصویب و تأیید شده و دارای ضمانت اجرایی می‌گردد. پس هم وجود قوانین و هم ضمانت اجرای قوی برای شهروندی ضروری است. علاوه بر آن، در سطح ساختاری، محیط اجتماعی و ویژگی‌های آن می‌تواند نقش مهمی در تحقق شهروندی و رعایت حقوق و تکالیف ایفا نماید. توزیع مناسب منابع و امکانات و بهره‌مندی همه گروه‌ها و اقشار جامعه از آنها زمینه ساز رعایت حقوق و تکالیف خواهد

بود. افزون بر شرایط اجتماعی، نهادها و کم و کیف عملکردشان بسیار حائز اهمیت است که می‌توان از آنها به عنوان کنشگران جمعی نام برد. این کنشگران در قالب اختصاص منابع و ایجاد فرصت‌ها خود را مورد سنجش قرار می‌دهند. منابع در سطح ساختاری به توزیع نا برابر امکانات در مناطق باز می‌گردد که به تعبیر مارکس با ساختارهای اقتصادی مرتبط است و در نظام سرمایه‌داری در ارتباط با شهروندی به ابزار قدرت تبدیل شده است. منابع در برگیرنده ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز هست که در قالب برخورداری از امکانات متبلور می‌شود. مارشال از شهروندی برای از بین بردن نابرابری‌ها دفاع کرده و معتقد است حقوق اجتماعی به شهروندی محتوای واقعی می‌بخشد که در تعامل مدیریت شهری و شهروندان خود را آشکار می‌سازد. (نش، ۱۳۸۲: ۱۹۲ و ۲۰۱) و (wood&Isin1999: 27-28) و (فیتزپتریک، ۱۳۸۱: ۷۳). رعایت حقوق و تکالیف شهروندی از نظر ترنر و تیلور و دیگر متفکران نیازمند منابع و امکانات است. منابعی که در ابعاد آگاهی و اعتقاد در سطوح مدیریتی به شهروندی و اجرای قوانین، فرهنگ سازی و به ویژه اعتماد اجتماعی به مدیریت جامعه نشان می‌دهد و بستر تحقق شهروندی فراهم می‌کند (شیانی، ۱۳۸۴: ۵۴).

به منظور رعایت حقوق و تکالیف شهروندی بایستی فرصت‌ها و بسترهای متعدد برای حضور و مشارکت افراد و گروه‌های مختلف در عرصه‌های عمومی توسط کنشگران جمعی ایجاد شود. چرا که توسعه و به تبع آن رعایت حقوق و تکالیف شهروندی از یکسو نیازمند تقویت و گسترش نهادها و سازوکارهایی همچون حاکمیت قانون است و از سوی دیگر نیازمند توانمندسازی افراد است تا قدرت مشارکت در امور را بدست آورند. توجه به حقوق و مسئولیت‌های مردم، بسط انتخاب‌های سیاسی اجتماعی شهروندان را فراهم نموده و زمینه گسترش ظرفیت‌ها را ایجاد می‌کند. حل مشکلات جامعه بدون حضور شهروندان غیرممکن است. شناخت و آگاهی از حقوق و مسئولیت‌ها، پیش شرط حضور و فعالیت و توانمندی آنان در عرصه‌های مختلف است. اگر افراد، مسئولیت و عمل به حقوق خود را به عنوان شهروند بپذیرند، بایستی قادر به بیان نظرات و عقاید خود در حوزه عمومی نیز باشند. اساس جامعه مدنی، نظامی از

مؤسسات و اجتماعات است که گفتمان ناظر بر مسائل عمومی را نهادینه می‌کند و اعضای جامعه در بافت حوزه عمومی به ایفای نقش شهروندی می‌پردازند (شیانی، ۱۳۸۲: ۱۲۳).

شهروندی فعال با مشارکت اعضای جامعه امکان‌پذیر است. عضویت در یک جامعه سیاسی، علاوه بر حقوق، در بردارنده مسئولیت‌ها و وظایف است هم چنین حقوق نیازمند تکالیف متقابل است (Habermas, 1992: 345-350). این بسترسازی راه-های اجرایی پاسخگویی به خواست‌های مردم است. صاحب‌نظرانی چون هانا آرنت، هابرماس و ژانوسکی با تأکید بر شهروندی فعال و مشارکت، بسط حوزه عمومی و فضای باز را برای تحقق شهروندی ضروری دانسته‌اند (Janosky, 1998: 61-69) و (پدرام، ۱۳۸۸: ۷۵). از نظر ترنر عنصر اصلی مدل جامعه‌شناسانه شهروندی، ایده شهروندی فعال و منفعل است. شهروندی فعال درگیری مثبت در امور و مسائل حوزه عمومی است و دموکراسی موفق نیازمند شهروندان فعال و درگیر در امور است که «مشارکت آنان آگاهانه، تحلیل‌گرایانه و عقلانی» باشد (Turner, 2000).

سطح دیگری از عوامل عدم رعایت حقوق و تکالیف شهروندی به کنشگران فردی و ویژگی‌های عینی اجتماعی و ذهنی آنان مربوط می‌شود در این راستا پارسونز با ارائه متغیرهای الگویی در فرآیند تکاملی جامعه رعایت حقوق و تکالیف را در قالب نگرش‌ها و کنش‌های اجتماعی مطرح کرده است. نگرش‌ها در برگزیده جهت‌گیری‌ها نسبت به موضوعات و مسایل مختلف است که با ایجاد انگیزه لازم زمینه عمل به حقوق و اجرای تکالیف را فراهم می‌سازد. نگرش‌های مثبت نسبت به عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه فرصت‌ها و دموکراسی از آن جمله‌اند. هم‌چنین ارزیابی عملکرد مدیریت شهری و رضایت از زندگی و خود اثر بخشی نیز تأثیر قابل توجهی بر رعایت حقوق دیگران و ادای تکالیف خواهد داشت (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰: ۳۳).

به زعم لیزا لکسو، شهروندی دارای قدرت‌رهایی بخش و آزادی است و چنین بیان می‌کند که: «در زمینه ملی شهروندی نباید به حق رسمی مشارکت در قدرت عمومی یعنی دموکراسی محدود باشد، بلکه نیازمند یک دستورالعمل سیاسی هدفمند و

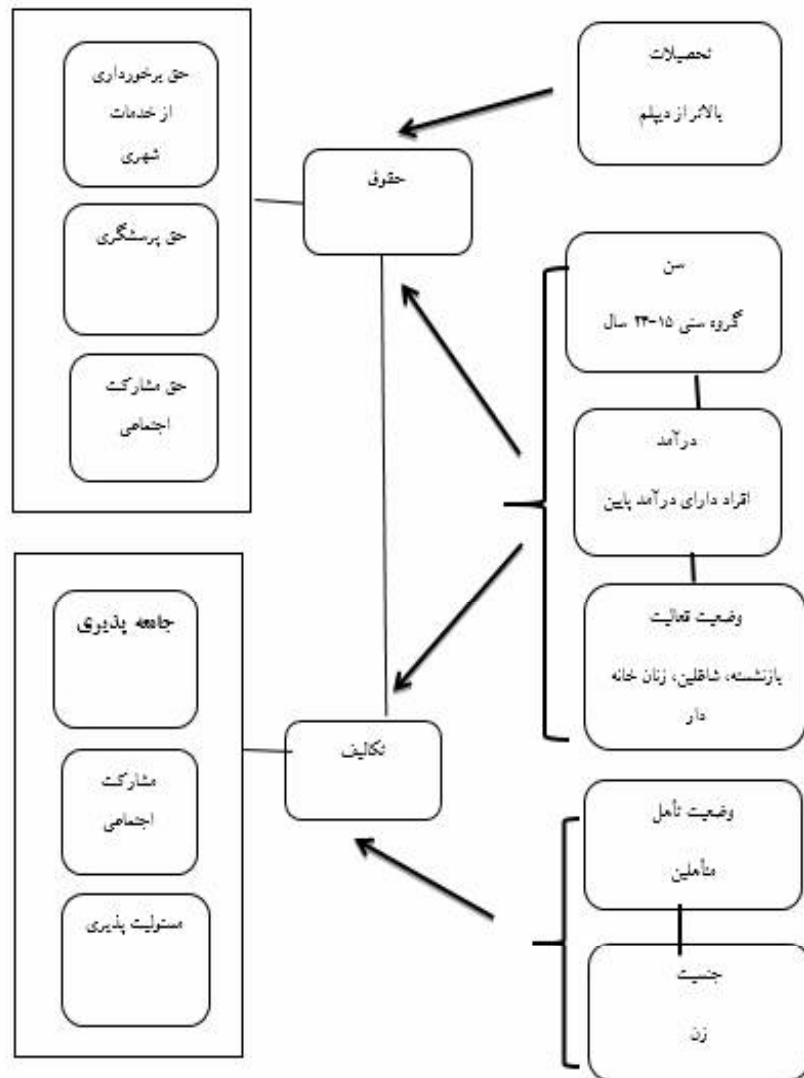
از طرف مردم و نیز باید مقتضی انگیزه، توانایی‌ها و منابع ناظر بر مشارکت باشد. این امر شهروندی را به رهایی و آزادی معطوف می‌کند» (لکسو، ۱۳۸۱: ۱۰۹). فالکس با محوریت مسأله محرومیت اجتماعی برخی از گروه‌های اجتماعی را از امتیازات شهروندی محروم دانسته و معتقد است شهروندی موقعیتی است که رابطه میان فرد و جامعه سیاسی را برقرار می‌کند. حقوق و وظایف شهروند به طور منطقی با هم مرتبط‌اند و حقوق بر مسئولیت‌ها دلالت دارد چرا که حقوق در خلاء وجود ندارند. از نظر او یک جامعه سیاسی سالم به شهروندانی فعال نیاز دارد. شهروندی فعالانه با فرد آغاز می‌شود چرا که از طریق اقدامات فرد است که شرایط ساختاری شهروندی باز تولید شده و بهبود می‌یابد. تنها از طریق اعمال فعالانه شهروندی است که تقابل کاذب میان حقوق و مسئولیت‌ها را می‌توان از بین برد. رفتارهای شهروندی یک فرآیند آموزشی است که افراد از طریق تمرین تکنیک‌های سیاست آنها را فرا می‌گیرند. بنابراین ارتباط میان ابعاد مختلف شهروندی در زمینه حقوق و وظایف نیز شهروندی را باز تولید خواهد کرد. به این معنا که برخورداری از حقوق انتظار انجام تکالیف را سبب می‌گردد (فالکس: ۱۳۸۱).

افزون بر موارد فوق برخورداری از انواع حقوق شهروندی و میزان آگاهی از تکالیف مربوط به این حقوق، ورود و یا عدم ورود شهروندان به فعالیت‌های داوطلبانه مدنی، چگونگی استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای فعالیت‌های مدنی، میزان اعتماد اجتماعی شهروندان نسبت به یکدیگر و نهادهای متولی و تأثیر آن بر میزان تمایل به فعالیت مدنی شهروندان، تأثیر منافع و هزینه‌های فعالیت بر رفتار شهروندی و همچنین احساس اثربخشی شهروندان در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ها از جمله عوامل مؤثر بر تقویت شهروندی و پیوند میان مدیران شهری و شهروندان در حوزه مدیریت کلانشهرها است. به طور ویژه می‌توان به نقش سرمایه اجتماعی بر میزان رعایت شهروندی اشاره داشت که در تحقیقات اخیر جهان و ایران، اهمیت آن بر انسجام و همدلی چه در مقیاس جهانی و یا ملی و بومی و حتی محلی انکار ناپذیر است. نکته دیگری که در اکثر پژوهش‌ها مورد توجه قرار گرفته ویژگی‌ها و تفاوت‌های فردی است

که در درون هر ساختار بر رعایت حقوق و تکالیف شهروندی از سوی شهروندان و مدیران مؤثر است.

بنابراین می‌توان گفت عرصه‌های مختلف جامعه علاوه بر حقوق، تعهداتی دارند که آنها را به عناصر دیگر جامعه پیوند می‌دهد. وجه مشترک تمامی شاخص‌ها در عرصه‌های مختلف مسئولیت‌پذیری و تعهد در قبال جامعه است. با حرکت به سطوح بالاتر جامعه، فرصت‌دهی و مشارکت‌جویی به عنوان یک نقش و حق اساسی تعریف می‌شود و در مقابل حرکت به طرف سطوح پایین‌تر جامعه، مشارکت و فعالیت اجتماعی را به عنوان یک نقش و تکلیف اساسی تعریف می‌کند. هر یک از عرصه‌های مختلف جامعه در شکل‌گیری مفهوم شهروندی مؤثر هستند. دولت، عرصه عمومی و عرصه خصوصی نسبت به یکدیگر حقوق و تعهداتی دارند که آنها را به یکدیگر مرتبط می‌سازد. دولت با انجام تکالیف خود علاوه بر آن که خود را به حاکمیت خوب نزدیک می‌سازد، حقوق دو عرصه دیگر جامعه را نیز رعایت کرده و آن را به تحقق می‌رساند. این فرآیند نیز برای عرصه عمومی قابل تصور است. اما در عرصه خصوصی انجام تکالیف شهروندی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. شهروندان عناصر پویای جامعه محسوب می‌شوند و این شهروندان هستند که نقش‌ها و پایگاه‌های مختلف را در حوزه‌های مختلف اشغال می‌کنند. چنانچه شهروندان فعال و مسئول باشند می‌توان تصور کرد که آنها نیز ساختار را متحول ساخته و بعنوان مثال دولت را هر چه بیشتر به سمت حاکمیت خوب سوق می‌دهند که در نهایت توسعه فرهنگ شهروندی محملی برای این سه عرصه و بازتولید آنها می‌شود. در این راستا در این پژوهش مدل زیر طراحی شده است.

مدل پژوهش



روش انجام پژوهش و گردآوری اطلاعات

روش پژوهش و ابزار گردآوری داده‌ها: پژوهش حاضر از روش کمی پیمایش و تکنیک پرسشنامه بهره برده است. با عنایت به اهداف مطالعه، برای جمع آوری اطلاعات در این مطالعه از پرسشنامه استفاده گردیده است؛ این ابزار بعد از عملیات مفهوم‌سازی تدوین شده و نیز پس از آزمون مقدماتی^۱ و کسب اعتبار^۲ و پایایی^۳ و نیز با اصلاح و حذف برخی گویه‌ها ساخت نهایی پیدا کرده است.

جمعیت آماری پژوهش: کلیه افراد ۱۵ سال به بالای مناطق مختلف شهر تهران بوده است. طبق داده‌های حاصل از سرشماری مرکز آمار ایران جمعیت ۱۵ سال به بالای شهر تهران تقریباً برابر با ۶۷۳۳۹۲۹ نفر است که برای دستیابی به نظرات آنها بایستی به نمونه‌ای معرف دست یافت که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه معادل ۲۳۰۴ نفر به دست آمد و به منظور جلوگیری از کاهش احتمالی حجم نمونه به ۲۴۰۰ نمونه افزایش داده شده است.

شیوه نمونه‌گیری: شیوه نمونه‌گیری این مطالعه احتمالی و از نوع «نمونه‌گیری چندمرحله‌ای»^۴ است که عبارت است از: ترکیب چندین نمونه‌گیری درباره قسمت‌های متغیر جامعه آماری. بنابراین سعی گردیده طی مراحل متفاوت، به تدریج به نمونه واقعی برسد. در مرحله اول از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده (SRS) استفاده شده که با توجه به چارچوب نمونه‌گیری پیمایش حاضر کلیه بلوک‌های هر یک از مناطق شهر تهران را در بر گرفته و بر اساس پایگاه داده‌های آماری مورد دسترس، شهر تهران به ۳۸۱۵۹ بلوک تقسیم شده است. بنابراین بر حسب ۲۴۰۰ نفر نمونه تحقیق ۹۶ بلوک از طریق نرم‌افزار کامپیوتری مربوطه به روش کاملاً تصادفی انتخاب گردیده و بدین صورت از

1. pre-test
2. validity
3. reliability
4. multi-stage sampling

تمام مناطق ۲۲گانه شهر تهران، متناسب با تعداد جمعیت به کل جمعیت نمونه، یکسری بلوک برداشته شده است. در مرحله دوم و با استفاده از روش نمونه‌گیری سیستماتیک بلوک‌های نمونه بر اساس نقشه راهنما و خانوارهای موجود در هر یک از بلوک‌ها مشخص شده و با استفاده از تجربه اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری برای هر بلوک ۲۵ خانوار در نظر گرفته شد. از ۹۶ بلوک منتخب، ابتدا فرم «فهرست خانوار» تکمیل شد تا مشخص شود که در هر بلوک چند خانوار وجود دارد. لذا با توجه به انتخاب ۲۵ خانوار از هر بلوک، به شیوه نمونه‌گیری سیستماتیک تعداد خانوارهای ساکن در هر بلوک را بر عدد ۲۵ تقسیم کرده تا عدد فاصله‌ای به دست آید. بعد از تعیین عدد فاصله‌ای، با انتخاب یک عدد تصادفی به عنوان مبدأ نمونه‌گیری ۲۵ خانوار در هر بلوک مشخص شدند. در مرحله سوم با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای به منظور یافتن پاسخگویان واجد شرایط در خانوارها (افراد ۱۵ سال به بالا) به شیوه طبقه‌ای نسبی بر حسب نسبت دو متغیر جنس و گروه سنی مطابق با ویژگی جامعه آماری، فرد مورد نظر انتخاب شده و با آموزش پرسشگران سعی شد که نسبت جنسی و سنی رعایت شود. لازم به ذکر است که این مرحله با توجه به اینکه همه اعضای خانواده در هنگام پرسشگری در خانه نیستند و امکان انتخاب تصادفی به دلایل متعدد فراهم نیست، اجرا شده است.

اعتبار: در این پژوهش جهت سنجش وضعیت اعتبار متغیرها از روش اعتبار صوری استفاده شده است. به منظور سنجش اعتبار صوری بعد از تهیه پرسشنامه اولیه، پرسش‌ها در اختیار متخصصان مختلف علوم اجتماعی و شهری گذاشته شد تا درباره اعتبار آنها قضاوت نمایند که طی جلسات مختلف با افراد و صاحب‌نظران نقاط ضعف و قوت هر بخش از پرسشنامه آشکار، نقاط ضعف برطرف گردید و به تدریج پرسشنامه ساخت علمی‌تری به خود گرفت.

پایایی: در این پژوهش بررسی پایایی مقیاس حقوق شهروندی نشان می‌دهد که ضریب آلفا برابر با ۰/۸۹ است. نتیجه برآورد پایایی معرف‌های مفهوم تکالیف

شهروندی حاکی است که ضریب آلفا برابر با ۰/۷۶ گزارش شده که سطح مطلوبی را نشان می‌دهد.

جدول ۱- نتایج آزمون آلفای کرونباخ درباره مقیاس حقوق و تکالیف شهروندی

		آزمون پایایی
تکالیف	حقوق	
۲۳	۳۵	تعداد گویه
۰/۷۶	۰/۸۹	ضرایب آلفا

در تعریف مفاهیم و متغیرها باید توضیح داد که حقوق شهروندی در ارتباط متقابل شهروندان و مدیران سوگیری‌های افراد نسبت به استحقاق در برخورداری و برابری در فرصت‌های عمومی و رفاهی شهری است. بنابراین با توجه به مراحل مفهوم سازی (مغهوم، ابعاد، مؤلفه و معرف) به لحاظ عملیاتی در این مطالعه برای سنجش حقوق شهروندی از ابعادی چون، حق برخورداری از خدمات شهری، حق پرسشگری شهروندان و حق مشارکت شهروندان استفاده شده است و برای سنجش متغیر تکالیف شهروندی در بین مردم شهر تهران از ابعادی از قبیل؛ مسئولیت‌پذیری، جامعه‌پذیری و مشارکت اجتماعی استفاده شده است.

یافته‌ها: وضعیت حقوق و تکالیف شهروندی شهروندان تهرانی

ویژگی‌های فردی و اجتماعی شهروندان شهر تهران

الف) ویژگی‌های فردی

جنسیت: در این پژوهش از افراد ۱۵ سال به بالای مناطق مختلف شهر تهران ۲۴۰۰ نفر به عنوان نمونه مورد مطالعه قرار گرفته است. چنانچه ملاحظه می‌شود نسبت

زنان و مردان تقریباً برابرند، به نحوی که ۵۱ درصد نمونه، را مردان و در مقابل ۴۹ درصد را زنان تشکیل می‌دهند.

وضعیت تأهل: چنانچه ارقام مندرج در جدول نشان می‌دهد در بین افراد نمونه ۱۵۸۰ نفر (۶۷ درصد) متأهل و در مقابل ۷۲۵ نفر (۳۰/۵ درصد) مجردند. به علت در نظر گرفتن افراد ۱۵ سال به بالا برای انتخاب نمونه اکثر افراد نمونه متأهل هستند. همچنین همسر ۶۴ نفر از آنها فوت شده یا طلاق گرفته‌اند.

سن: چنانچه هر ۱۰ تا ۱۵ سال مبنای شکل‌گیری ذهنیت نسلی در نظر گرفته شود؛ سن افراد نمونه را به ۵ دسته می‌توان تقسیم نمود. طبق بررسی حاصل حدود یک سوم افراد بین ۲۵ تا ۳۴ سن دارند. این نسبت گویای جوان بودن جمعیت کشور است. حدود یک پنجم افراد نیز بین ۱۵ تا ۲۴ سال و ۳۵ تا ۴۴ سال سن دارند. در مقابل ۱۴ و ۱۵ درصد در گروه سنی ۴۵ تا ۵۴ و ۵۵ سال و بیشتر قرار می‌گیرند. میانگین سن پاسخ‌گویان، برابر با ۳۷ سال است که برابر با وضعیت جمعیت آماری (۳۵ سال) در شهر تهران است. میانگین سنی زنان و مردان به ترتیب ۳۶ و ۳۸ سال است.

وضعیت درآمد: درآمد خانواده افراد را می‌توان پرداخت‌های ناشی از دستمزد، حقوق یا سرمایه‌گذاری دانست که در بیشتر پژوهش‌های اجتماعی مورد سنجش قرار می‌گیرد. یافته‌های حاصل پیرامون وضعیت درآمد افراد (بدون محاسبه یارانه) بیانگر آن است که بیشترین نسبت در گروه درآمدی ۵۰۱ تا ۱ میلیون تومان جای می‌گیرد - به نحوی که حدود نیمی از افراد را شامل می‌شود (۵۲ درصد).

تحصیلات: درباره سطوح تحصیلی افراد، اطلاعات مندرج در جدول زیر نشان می‌دهد که دارندگان مدرک دیپلم، بالاترین نسبت افراد را به لحاظ سطح سواد به خود اختصاص داده‌اند (۳۰ درصد). در مرتبه بعد، افراد دارای تحصیلات لیسانس با ۲۳ درصد قرار دارند، که با جمع سایر افراد در مقاطع بالاتر از دیپلم، می‌توان بیان نمود که بیش از یک سوم پاسخ‌گویان تحصیلات عالی دارند. در این میان نیز حدود یک سوم

(۲۹ درصد) زیر دیپلم، سواد دارند. همچنین حدود ۲ درصد بی سواد هستند. در واقع با دسته بندی مقاطع تحصیلی به زیر دیپلم، دیپلم و بالاتر از دیپلم (به ترتیب ۳۱، ۳۰، ۳۹ درصد) می توان قضاوت نمود در هر دسته حدود یک سوم از افراد نمونه قرار می گیرند. در این مطالعه به لحاظ سطح سواد بر حسب زن و مرد تفاوت چندانی مشاهده نمی گردد. در مقابل بر حسب گروه های سنی از نظر سطوح تحصیلی تفاوت قابل توجهی در مقاطع تحصیلی بالا به نفع جوانان جامعه مشاهده می گردد؛ به عبارتی سطح سواد رابطه معکوسی با سن دارد ($k = -0.13$; $S = 0.00$).

وضعیت فعالیت: در نمونه مورد بررسی، نسبت شاغلین به غیر شاغلین ۳۶ درصد است. زنان خانه دار با حدود یک سوم در مرتبه دوم قرار می گیرند. این نسبت زن خانه دار در میان افراد زیر دیپلم (۳۷ درصد) بیش از دیپلم (۴۲ درصد) و بالاتر از دیپلم (۱۷ درصد) است. در واقع مشاهده می گردد با افزایش سواد، از نسبت زنان خانه دار کاسته می شود. در مرحله بعد افراد در حال تحصیل (۹ درصد دانشجوی، ۹ درصد دانش آموز) و بازنشسته ها با نسبت یکسانی قرار دارند. که با در نظر گرفتن سایر موارد، در مجموع ۶۴ درصد افراد غیر شاغل محسوب می شوند.

ب) ویژگی های اجتماعی

مدت سکونت در شهر تهران: طبق یافته ها میانگین مدت سکونت افراد در مناطق مختلف شهر تهران برابر با ۳۱ سال، میانه برابر با ۳۰ سال است. بیشترین فراوانی مدت سکونت در شهر تهران ۳۰ سال به دست آمده است. چنانچه ارقام مندرج در جدول زیر نشان می دهد حدود یک چهارم بین ۲۱ تا ۳۰ سال و ۴۱ سال و بیشتر و نیز حدود یک پنجم بین ۱۱ تا ۲۰ سال و ۳۱ تا ۴۰ سال است که در شهر تهران زندگی می کنند. در مجموع حدود ۸ درصد کمتر از بین ۱ تا ۱۰ سال و ۲۰ درصد بین ۱۱ تا ۲۰ سال است که در تهران سکونت دارند.

مدت سکونت در محله: در مقایسه با سال‌های سکونت افراد در مناطق مختلف شهر تهران، به نظر می‌رسد، می‌توان قضاوت نمود که سکونت در سطح محله‌ها از پایداری کمتری برخوردار است. بنابراین دسته‌بندی مدت سکونت در سطح محله، با فاصله ۵ سال صورت گرفته است. طبق بررسی به عمل آمده حدود یک سوم مردم بین ۱ تا ۵ سال و نیز ۲۱ سال و بیشتر در محله خود سکونت دارند. نتایج حاکی از آن است که میانگین سکونت افراد در محله‌های مختلف برابر با ۱۶ سال، میانه برابر با ۱۳ سال و بیشترین فراوانی سکونت ۱۰ سال است. به این ترتیب، می‌توان ماندگاری در هر محله را ۱۰ سال در نظر گرفت.

مناطق مورد مطالعه: در این پژوهش مناطق ۲۲ گانه تهران مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که منطقه چهار (۹ درصد)، چهارده (۸ درصد)، پنج (۷ درصد)، پانزده (۷ درصد) و دو (۷ درصد) تعداد بیش‌تری از نمونه را به خود اختصاص داده‌اند. این مناطق به لحاظ جمعیتی در تهران نسبت بالایی دارند.

حقوق شهروندی

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، شهروندی را از یک سو، می‌توان سوگیری‌های افراد نسبت به استحقاق در برخورداری و برابری در فرصت‌های عمومی و رفاهی شهری دانست (حقوق شهروندی) و از سوی دیگر، مجموعه‌ای از تمایلات کنشی افراد پیرامون تعهدات و مشارکت در امور شهر در نظر داشت (تکالیف شهروندی). بنابراین دارای دو بعد اساسی "حقوق شهروندی" و "تکالیف شهروندی" است. منبع اصلی و بنیادین تعیین حق، قانون است. پس حق، یک ادعای قانونی است که دولت و نهادها آن را برای شهروندان به ارمغان آورده‌اند. وقتی که از منظر نهادی بدان نگریسته شود، در واقع این قوانین هستند که منبع حقوق شهروندی به حساب می‌آیند. بنابراین اهمیت حقوق شهروندی در این است که کارگزاری را به فرد اعطاء می‌کنند موجب به رسمیت

شناختن موقعیت برابری برای افراد می‌گردند و نیز فرصت عمل را برای آنها فراهم می‌سازند. بنابراین در این مطالعه به لحاظ عملیاتی برای سنجش مقیاس حقوق شهروندی شهروندان شهر تهران، از ابعاد حق برخورداری از خدمات، حق پرسش‌گری و حق مشارکت شهروندان استفاده شده است.

حق برخورداری از خدمات

یکی از ابعاد حقوق شهروندی حق برخورداری از خدمات شهری است. بررسی‌ها بیانگر آن است که ۳۶ درصد مردم شهر تهران وضعیت برخورداری از خدمات شهری مناسب را در حد کم، ۴۷ درصد در حد متوسط و ۱۷ درصد در حد زیاد بیان داشته‌اند. بر حسب طیف ۱ تا ۵ نمره حق برخورداری از خدمات شهری برابر با ۲/۸ است. چنانچه میانگین نظری عدد ۳ در نظر گرفته شود، آزمون t تک نمونه‌ای، فاصله موجود را معنادار نشان می‌دهد ($S=0/000$). به عبارتی در مجموع حق برخورداری از خدمات شهری مناسب در بین شهروندان تهرانی از حد متوسط پایین‌تر است.

جدول ۲- وضعیت میانگین مؤلفه‌های مختلف برخورداری از خدمات

میانگین	مؤلفه‌ها
۲/۸	حق تسهیل در رفت و آمد شهروندان
۲/۴	حق برخورداری از خدمات فرهنگی و اجتماعی
۳/۲	حق برخورداری از معابر و فضاهای کالبدی شهری
۲/۶	حق وجود معماری و الگوی شهری مناسب
۳/۰۸	حق برخورداری از خدمات همگانی
۲/۸	حق برخورداری از خدمات شهری

در مقایسه میانگین‌های ابعاد برخورداری از خدمات، مطلوب‌ترین وضعیت به برخورداری از معابر و فضاهای کالبدی اختصاص داشته و کمترین میانگین ۲/۴ هم

متعلق به برخورداری از خدمات فرهنگی و اجتماعی است که ضرورت توجه مدیریت شهری به این حوزه را بازتاب می‌دهد. بعد از آن ضعف بیشتر مربوط به معماری و الگوی شهری مناسب است که به دلیل ساخت و سازهای بی رویه و نامناسب صورت گرفته است.

حق پرسشگری

حق پرسشگری با دو مؤلفه سازوکار پرسشگری و امکان پرسشگری مورد سنجش قرار گرفته است. یافته‌ها بیانگر آن است که ۲۳ درصد مردم شهر تهران وضعیت پرسشگری را در حد کم، ۳۲ درصد در حد متوسط و ۴۵ درصد در حد زیاد بیان داشته‌اند. از سویی بر حسب طیف ۱ تا ۵ نمره حق برخورداری از خدمات شهری برابر با ۳/۱ است. چنانچه میانگین نظری عدد ۳ در نظر گرفته شود، آزمون t تک نمونه‌ای، فاصله موجود را معنادار نشان می‌دهد ($s=0/000$). در مجموع پرسشگری از حد متوسط بالاتر است.

جدول ۳- وضعیت میانگین مؤلفه‌های پرسشگری شهروندان

میانگین	مؤلفه‌ها
۳/۴	سازوکار پرسشگری
۲/۷	امکان پرسشگری
۳/۱	پرسشگری

مقایسه میانگین مؤلفه‌های پرسشگری نشان می‌دهد سازوکار پرسشگری در بالاترین حد و امکان پرسشگری در پایین‌ترین حد قرار دارد که گویای وضعیت نامطلوب پرسشگری در میان شهروندان است.

مشارکت شهروندی

برای مطالعه حق مشارکت شهروندان از سه مؤلفه آمادگی ذهنی مدیران، وضعیت ساز و کار مشارکت و عملکرد مشارکت استفاده شده است. بررسی‌ها بیانگر آن است ۴۴ درصد مردم شهر تهران وضعیت حق مشارکت شهروندی را در حد کم، ۳۰ درصد در حد متوسط و ۲۶ درصد در حد زیاد بیان داشته‌اند. بر حسب طیف ۱ تا ۵ نمره حق مشارکت شهروندی برابر با ۲/۷ است. چنانچه میانگین نظری عدد ۳ در نظر گرفته شود، آزمون t تک نمونه‌ای، فاصله موجود را معنادار نشان می‌دهد ($S=0/000$). به عبارتی در مجموع حق مشارکت شهروندان تهرانی در امور شهری از حد متوسط پایین‌تر است.

جدول ۴- وضعیت میانگین مؤلفه‌های مشارکت شهروندی

میانگین	مؤلفه‌ها
۲/۶	آمادگی ذهنی
۲/۵	سازوکار مشارکت
۲/۸	عملکرد مشارکت
۲/۷	حق مشارکت شهروندی

در مقایسه میان میانگین‌های مؤلفه‌های مشارکت شهروندی که در حد نامطلوب قرار دارد، پایین‌ترین حد متعلق به سازوکار مشارکت است که در مدیریت شهری بایستی تدابیر لازم برای تقویت و ایجاد ساز و کارهای نوین مشارکتی را فراهم آورد و بالاترین حد هم عملکرد مشارکت است اگرچه در حد پایین‌تر از میانگین قرار دارد اما در مقایسه با سایر مؤلفه‌ها وضعیت آن مطلوب‌تر است. بررسی‌ها بیانگر آن است که ۳۵ درصد رعایت حقوق شهروندی را در حد کم، ۴۵ درصد متوسط و ۱۹ درصد در حد زیاد بیان داشته‌اند.

جدول ۵- توزیع شهروندان بر حسب شاخص حقوق شهروندی

حقوق	کم	متوسط	زیاد	بی پاسخ	جمع
تعداد	۸۴۵	۱۰۹۷	۴۵۳	۵	۲۴۰۰
درصد	۳۵	۴۶	۱۹	-	۱۰۰

بر حسب طیف ۱ تا ۵ نمره میانگین نظری عدد ۳ در نظر گرفته شود. آزمون t تک نمونه‌ای، فاصله موجود را معنادار نشان می‌دهد ($S=0/000$). به عبارتی در مجموع وضعیت میزان برخورداری مردم شهر تهران از حقوق شهروندی از حد متوسط پایین‌تر است. در مقایسه ابعاد از نظر شهروندان حق پرسشگری با میانگین ۳/۱ در بالاترین حد و حق مشارکت ۲/۶ در پایین‌ترین میزان قرار دارد. این مشاهده با توجه به اهمیت مشارکت در کاهش مشکلات شهری نکته قابل تأملی است.

جدول ۶- وضعیت میانگین ابعاد حقوق شهروندی

میانگین	ابعاد
۲/۸	حق برخورداری از خدمات
۳/۱	حق پرسشگری
۲/۶	حق مشارکت
۲/۸	حقوق شهروندی

تکالیف شهروندی

تکالیف شهروندی علاوه بر داشتن حس عضویت نسبت به یک جامعه، در برگیرنده مشارکت در سطوح مختلف امور شهر است. در این پژوهش، برای سنجش شاخص متغیر گرایش به تکالیف شهروندی از ابعاد میزان احساس مسئولیت‌پذیری، میزان جامعه‌پذیری و میزان مشارکت شهروندی استفاده شده است. در این مطالعه به لحاظ عملیاتی برای سنجش تکالیف شهروندی از ابعاد مسئولیت‌پذیری، جامعه‌پذیری و

مشارکت شهروندان استفاده شده است. با ترکیب ابعاد فوق، شاخص «تکالیف شهروندی» ایجاد شد.

احساس مسئولیت‌پذیری شهروندی

بررسی احساس مسئولیت‌پذیری شهروندی به عنوان یکی از ابعاد تکالیف شهروندی نشان می‌دهد که یک سوم (۲۷ درصد) مردم شهر تهران میزان احساس مسئولیت‌پذیری‌شان در حد کم و نیز متوسط و در مقابل ۴۲ درصد در حد زیاد است. بر حسب طیف ۱ تا ۵ نمره میزان احساس مسئولیت‌پذیری برابر با ۳/۸ است. چنانچه میانگین نظری را عدد ۳ در نظر بگیریم، آزمون t تک نمونه‌ای، فاصله موجود را معنادار نشان می‌دهد ($S=0/000$).

جدول ۷- وضعیت میانگین مؤلفه‌های احساس مسئولیت‌پذیری

میانگین	مؤلفه‌ها
۴/۱	احساس تعهد
۳/۴	میزان نظارت
۳/۸	احساس مسئولیت‌پذیری

در مقایسه میانگین‌های مؤلفه‌های احساس مسئولیت‌پذیری، احساس تعهد در بالاترین حد و میزان نظارت در پایین‌ترین حد قرار دارد این مسئله نشان می‌دهد احساس مسئولیت‌پذیری و احساس تعهد در میان شهروندان در حد مطلوبی قرار دارند.

جامعه‌پذیری

بررسی بُعد جامعه‌پذیری شهروندی به عنوان یکی از ابعاد تکالیف شهروندی بیانگر آن است یک سوم (۳۲ درصد) مردم شهر تهران میزان جامعه‌پذیری شهروندی آنها در حد کم و در مقابل حدود یک‌سوم (۲۶ درصد) در سطح زیاد است. بر حسب طیف ۱ تا ۵ نمره میزان جامعه‌پذیری آزمون t تک نمونه‌ای، فاصله موجود را معنادار نشان می‌دهد ($S=0/000$). به عبارتی میزان جامعه‌پذیری مردم شهر تهران از حد متوسط بالاتر است.

جدول ۸- وضعیت میانگین مؤلفه‌های جامعه‌پذیری

میانگین	مؤلفه‌ها
۳/۶	دانش‌پذیری
۳/۷	نظم‌پذیری
۳/۷	قانون‌پذیری
۳/۷	جامعه‌پذیری

افراد برابر با ۳/۷ است. چنانچه میانگین نظری عدد ۳ در نظر گرفته شود، مقایسه میانگین مؤلفه‌های جامعه‌پذیری نشان می‌دهد میانگین‌های نظم‌پذیری، قانون‌پذیری و جامعه‌پذیری با هم برابرند و مؤلفه دانش‌پذیری در پایین‌ترین حد قرار دارد که این مسأله گویای این است که مؤلفه‌های جامعه‌پذیری با این که بالاتر از سطح میانگین قرار دارند، حد مطلوبی ندارند.

وضعیت مشارکت شهروندی

برای سنجش مشارکت اجتماعی مردم به عنوان یکی از ابعاد مهم تکالیف شهروندی، از سه مؤلفه آمادگی ذهنی، آمادگی عملی و آمادگی برای نهادسازی استفاده شده است. بررسی‌ها بیانگر آن است یک سوم (۳۲ درصد) مردم شهر تهران میزان جامعه‌پذیری شهروندی آنها در حد کم و در مقابل نیز حدود یک‌سوم (۲۶ درصد) در سطح زیاد است. از سویی بر حسب طیف ۱

تا ۵ نمره میزان مشارکت افراد نمونه برابر با ۳/۱ است. چنانچه میانگین نظری عدد ۳ در نظر گرفته شود، آزمون t تک نمونه‌ای، فاصله موجود را معنادار نشان می‌دهد ($S=0/000$). به عبارتی میزان مشارکت مردم شهر تهران از حد متوسط بالاتر است. البته در این میان میزان مشارکت عملی و ذهنی بیش از میزان آمادگی نهادی برای مشارکت است.

جدول ۹- وضعیت میانگین مؤلفه‌های مشارکت

میانگین	مؤلفه‌ها
۳/۴	آمادگی ذهنی
۳/۶	آمادگی عملی
۲/۳	آمادگی نهادی
۳/۱	مشارکت شهروندی

مقایسه میانگین مؤلفه‌های مشارکت نشان می‌دهد آمادگی ذهنی در بالاترین حد و آمادگی نهادی در پایین‌ترین حد قرار دارد و این مسأله گویای این است که این مؤلفه‌ها در سطح مطلوبی قرار ندارند.

بررسی‌ها بیانگر آن است ۳۴ درصد شهروندان شهر تهران میزان رعایت تکالیف شهروندی را در حد کم و در مقابل ۲۶ درصد در حد زیاد بیان داشته‌اند. یک‌چهارم مقید با انجام تکالیف شهروندی در حوزه مدیریت شهری هستند.

جدول ۱۰- توزیع شهروندان بر حسب شاخص تکالیف شهروندی

تکالیف شهروندی	کم	متوسط	زیاد	بی‌پاسخ	جمع
تعداد	۸۱۱	۹۵۷	۶۱۸	۱۴	۲۴۰۰
درصد	۳۴	۴۰	۲۶	-	۱۰۰

بر حسب طیف ۱ تا ۵ نمره رعایت تکالیف شهروندی برابر با ۳/۵ است. چنانچه

میانگین نظری عدد ۳ در نظر گرفته شود، آزمون t تک نمونه‌ای، فاصله موجود را معنادار نشان می‌دهد ($S=0/000$). به عبارتی وضعیت رعایت تکالیف مختلف شهروند در بین مردم شهر تهران از حد متوسط بالاتر است.

جدول ۱۱- وضعیت میانگین ابعاد تکالیف شهروندی

میانگین	ابعاد
۳/۸	مسئولیت‌پذیری
۳/۷	جامعه‌پذیری
۳/۱	مشارکت
۳/۵	تکالیف شهروندی

تحلیل دو متغیره یافته‌ها

همان‌طور که تشریح شد، متغیر وابسته تحقیق، حقوق و تکالیف شهروندی است. در این بخش به بررسی و تحلیل دو متغیره داده‌ها پرداخته شده است:

رابطه جنسیت با حقوق و تکالیف شهروندی

نتایج حاصل از آزمون t دو نمونه مستقل نشان می‌دهد وضعیت برخورداری از حقوق شهروندی در بین زنان و مردان برابر با $2/8$ است. همچنین سطح معناداری حاصل مطلوب نیست ($S = 0/1$). در مجموع می‌توان چنین قضاوت نمود که زنان و مردان در شهر تهران به طور برابری از حقوق شهروندی برخوردار هستند.

جدول ۱۲- میانگین حقوق شهروندی بر حسب جنس

جنس / شهروندی	تعداد	حقوق شهروندی	آزمون
زنان	۱۱۷۳	۲/۸	$t=1/6$
مردان	۱۲۲۲	۲/۸	$S=0/1$

یافته‌های به دست آمده از آزمون t دو نمونه مستقل نشان می‌دهد میزان رعایت تکالیف شهروندی در بین زنان برابر با $3/5$ و در بین مردان برابر با $3/4$ است. این اختلاف در میانگین‌ها، از طریق آزمون آماری معنادار شده است ($S = 0/000$). بنابراین می‌توان گفت زنان تهرانی بیش از مردان به رعایت تکالیف شهروندی می‌پردازند.

جدول ۱۳- میانگین تکالیف شهروندی بر حسب جنسیت

جنسیت / شهروندی	تعداد	تکالیف شهروندی	آزمون
زنان	۱۱۷۰	$3/5$	$t=5/7$
مردان	۱۲۱۶	$3/4$	$S=0/000$

رابطه وضعیت تأهل با حقوق و تکالیف شهروندی

نتایج آزمون تحلیل واریانس یکطرفه، نشان می‌دهد وضعیت برخورداری از حقوق شهروندی در بین متأهلان برابر با $2/82$ ، در بین مجردان برابر با $2/88$ و در بین افرادی که همسرشان فوت شده و طلاق گرفته‌اند (سایر) برابر با $2/85$ است. با توجه به در نظر گرفتن آلفای کوچک‌تر - مساوی ۱ درصد، سطح معناداری حاصل مطلوب نیست ($S = 0/04$). بنابراین می‌توان گفت میزان برخورداری از حقوق شهروندی ارتباط معناداری با وضعیت تأهل ندارد.

جدول ۱۴- میانگین حقوق شهروندی بر حسب وضعیت تأهل

وضعیت تأهل / شهروندی	تعداد	حقوق شهروندی	آزمون
متأهل	۱۵۷۸	$2/82$	$F=0/04$
مجرد	۷۲۳	$2/88$	$S=0/000$

سایر	۶۴	۲/۸۵
------	----	------

یافته‌ها نشان می‌دهد میزان رعایت تکالیف شهروندی در بین متأهلان برابر با ۳/۵۸، در بین مجردان برابر با ۳/۳۹ و در بین افرادی که همسرشان فوت شده و یا طلاق گرفته‌اند (سایر) برابر با ۳/۶۶ است. تفاوت از طریق آزمون F سطح معناداری را نشان می‌دهد ($s = ۰/۰۰۰$). استفاده از آزمون پس از معناداری شفه نیز نشان می‌دهد مجردان جامعه شهر تهران، کمتر از متأهلان و بدون همسران به رعایت تکالیف شهروندی می‌پردازند ($s = ۰/۰۰۰$).

جدول ۱۵- میانگین تکالیف شهروندی بر حسب وضع تأهل

وضعیت تأهل / شهروندی	تعداد	حقوق شهروندی	آزمون
متأهل	۱۵۷۵	۳/۵۸	F= ۳۹ s=۰/۰۰۰
مجرد	۷۱۹	۳/۳۹	
سایر	۶۴	۳/۶۶	

رابطه تحصیلات با حقوق و تکالیف شهروندی

با دسته‌بندی میزان سواد افراد نمونه به سه دسته، بررسی‌ها نشان می‌دهد برخورداری از حقوق شهروندی در بین افراد زیر دیپلم برابر با ۲/۹۲، دیپلمه‌ها برابر با ۲/۸۲ و در بین دارندگان تحصیلات عالی برابر با ۲/۷۹ است. این تفاوت از طریق آزمون تحلیل واریانس یک طرفه (one way ANOVA) سطح معنادار مطلوبی را نشان می‌دهد. استفاده از آزمون پس از معناداری شفه نیز نشان می‌دهد دارندگان تحصیلات

زیردیپلم بیش از دیپلمه‌ها ($s = 0/002$) و افراد تحصیلات دانشگاهی بیان داشته‌اند از حقوق شهروندی برخوردارند ($s = 0/000$).

جدول ۱۶- میانگین حقوق شهروندی بر حسب تحصیلات

آزمون	حقوق شهروندی	تعداد	تحصیلات/ شهروندی
F= ۱۳ S=0/000	۲/۹۲	۷۴۳	زیردیپلم
	۲/۸۲	۷۱۲	دیپلم
	۲/۷۹	۹۱۱	دانشگاهی

بررسی‌ها نشان می‌دهد میزان رعایت تکالیف شهروندی در بین افراد زیر دیپلم برابر با ۳/۵۱، دیپلمه‌ها برابر با ۶/۵۳ و در بین دارندگان تحصیلات عالی برابر با ۳/۵۳ است. این تفاوت از طریق آزمون تحلیل واریانس یک طرفه (one way Anova) معنادار نشده است. بنابراین می‌توان گفت وضعیت مقاطع تحصیلی افراد ارتباط معناداری به میزان رعایت تکالیف شهروندی ندارد.

جدول ۱۷- میانگین تکالیف شهروندی بر حسب تحصیلات

آزمون	حقوق شهروندی	تعداد	تحصیلات/ شهروندی
F= 0/57 S=0/56	۳/۵۱	۷۳۹	زیردیپلم
	۳/۵۳	۷۱۱	دیپلم
	۳/۵۳	۹۰۷	دانشگاهی

رابطه گروه سنی با حقوق و تکالیف شهروندی

یافته‌ها بیانگر آن است میانگین برخوردار از حقوق شهروندی در بین افراد ۱۵ تا ۲۵ سال برابر با ۲/۹۶، ۲۵ تا ۳۴ سال برابر با ۲/۸۴، ۳۵ تا ۴۴ سال برابر با ۲/۷۸، ۴۵ تا ۵۴ سال برابر با ۲/۸۱، و در بین ۵۵ ساله‌ها و بالاتر برابر با ۲/۷۸ است. این تفاوت از طریق آزمون تحلیل واریانس یک طرفه سطح معناداری مطلوبی را نشان می‌دهد.

استفاده از آزمون پس از معناداری شفه نیز نشان می‌دهد افراد ۱۵ تا ۲۴ ساله جامعه در مقایسه با سایر گروه‌های سنی معتقدند از حقوق شهروندی مطلوبی برخوردار هستند.

جدول ۱۸- میانگین حقوق شهروندی بر حسب گروه سنی

گروه سنی / شهروندی	تعداد	حقوق شهروندی	آزمون
۱۵ تا ۲۴ سال	۵۲۰	۲/۹۶	F= ۹ S=۰/۰۰۰
۲۵ تا ۳۴ سال	۶۵۶	۲/۸۴	
۳۵ تا ۴۴ سال	۵۰۶	۲/۷۸	
۴۵ تا ۵۴ سال	۳۶۳	۲/۸۱	
۵۵ سال و بیشتر	۳۳۴	۲/۷۸	

بررسی‌ها بیانگر آن است میانگین میزان رعایت تکالیف شهروندی در بین افراد ۱۵ تا ۲۵ سال برابر با ۳/۳۸، ۲۵ تا ۳۴ سال برابر با ۳/۴۹، ۳۵ تا ۴۴ سال برابر با ۳/۵۶، ۴۵ تا ۵۴ سال برابر با ۳/۶۱، و در بین ۵۵ ساله‌ها و بالاتر برابر با ۳/۶۵ است. این تفاوت از طریق آزمون تحلیل واریانس یک طرفه سطح معنادار مطلوبی را نشان می‌دهد. استفاده از آزمون پس از معناداری شفه نیز نشان می‌دهد افراد ۱۵ تا ۲۴ ساله جامعه در مقایسه با سایر گروه‌های سنی کمتر به رعایت تکالیف شهروندی می‌پردازند.

جدول ۱۹- میانگین تکالیف شهروندی بر حسب گروه سنی

گروه سنی / شهروندی	تعداد	حقوق شهروندی	آزمون
۱۵ تا ۲۴ سال	۵۱۸	۳/۳۸	F= ۲۲ S=۰/۰۰۰
۲۵ تا ۳۴ سال	۶۵۳	۳/۴۹	
۳۵ تا ۴۴ سال	۵۰۵	۳/۵۶	

	۳/۶۱	۳۶۳	۴۵ تا ۵۴ سال
	۳/۶۵	۳۳۱	۵۵ سال و بیشتر

رابطه درآمد با حقوق و تکالیف شهروندی

بررسی‌ها بیانگر آن است میانگین برخوردارانی از حقوق شهروندی در بین گروه درآمدی کمتر از ۵۰۰ هزار تومان برابر با ۲/۸۸، بین ۵۰۱ تا ۱۰۰۰ برابر با ۲/۸۸، بین ۱۰۰۱ تا ۱۵۰۰ برابر با ۲/۹، بین ۱۵۰۱ تا ۲۰۰۰ برابر با ۲/۷۷ و ۲۰۰۱ و بیشتر برابر با ۲/۷۷ است. این تفاوت از طریق آزمون تحلیل واریانس یک طرفه سطح معنادار مطلوبی را نشان می‌دهد. استفاده از آزمون پس از معناداری LSD نشان می‌دهد که گروه درآمدی ۲۰۰۱ و بالاتر جامعه در مقایسه با سایر گروه‌های درآمدی (کمتر از ۵۰۰، ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ و ۱۰۰۱ تا ۱۵۰۰) معتقدند از حقوق شهروندی کمتری برخوردارند.

جدول ۲۰- میانگین حقوق شهروندی بر حسب درآمد

گروه درآمدی / شهروندی	تعداد	حقوق شهروندی	آزمون
کمتر از ۵۰۰ هزار تومان	۱۱۰	۲/۸۸	F= ۳/۶ S=۰/۰۰۶
۱۰۰۰ تا ۵۰۱	۸۶۴	۲/۸۸	
۱۰۰۱ تا ۱۵۰۰	۳۹۲	۲/۹	
۱۵۰۱ تا ۲۰۰۰	۱۸۳	۲/۷۷	
۲۰۰۱ و بیشتر	۱۰۱	۲/۷۳	

یافته‌ها بیانگر آن است میانگین انجام تکالیف شهروندی در بین گروه درآمدی کمتر از ۵۰۰ هزار تومان برابر با ۳/۶۱، بین ۵۰۱ تا ۱۰۰۰ برابر با ۳/۵۱، بین ۱۰۰۱ تا ۱۵۰۰ برابر با ۳/۴۳، بین ۱۵۰۱ تا ۲۰۰۰ برابر با ۳/۴۷ و ۲۰۰۱ و بیشتر برابر با ۳/۵۳ است. این تفاوت از طریق آزمون تحلیل واریانس یک طرفه سطح معنادار مطلوبی را نشان می‌دهد. استفاده از آزمون پس از معناداری LSD نشان می‌دهد گروه درآمدی

۱۰۰۱ تا ۱۵۰۰ در مقایسه با گروه‌های درآمدی کمتر از ۵۰۰ هزار تومان و بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ کمتر به انجام تکالیف شهروندی می‌پردازند.

جدول ۲۱- میانگین تکالیف شهروندی بر حسب درآمد

آزمون	حقوق شهروندی	تعداد	درآمد/ شهروندی
F= ۳/۸ S=۰/۰۰۴	۳/۶۱	۱۰۹	کمتر از ۵۰۰ هزار تومان
	۳/۵۱	۸۶۲	۱۰۰۰ تا ۵۰۱
	۳/۴۳	۳۹۲	۱۵۰۰ تا ۱۰۰۱
	۳/۴۷	۱۸۳	۲۰۰۰ تا ۱۵۰۱
	۳/۵۳	۱۰۱	۲۰۰۱ و بیشتر

رابطه وضعیت فعالیت با حقوق و تکالیف شهروندی

بررسی‌ها بیانگر آن است که میانگین برخورداری از حقوق شهروندی در بین زنان خانه‌دار برابر با ۲/۸۶، دانشجویان ۲/۸۸، دانش‌آموزان برابر با ۳/۰۳، بیکاران برابر با ۲/۸۵، سربازان برابر با ۲/۹۴، شاغلان برابر با ۲/۷۹ و نیز در بین بازنشستگان برابر با ۲/۷۱ است. این تفاوت از طریق آزمون تحلیل واریانس یک طرفه سطح معنادار مطلوبی را نشان می‌دهد. استفاده از آزمون پس از معناداری شفه نشان می‌دهد دانش‌آموزان در مقایسه با افراد شاغل و بازنشسته از حقوق شهروندی بیشتری برخوردارند. بازنشسته‌ها و شاغلان میزان برخورداری‌شان از حقوق شهروندی کمتر از سایرین است.

جدول ۲۲- میانگین حقوق شهروندی بر حسب وضع فعالیت

آزمون	حقوق شهروندی	تعداد	وضعیت اشتغال
F= ۷/۸ S=۰/۰۰۰	۲/۸۶	۷۱۹	خانه‌دار
	۲/۸۸	۲۰۱	دانشجو
	۳/۰۳	۲۰۷	دانش‌آموز

	۲/۸۵	۱۳۳	بیکار
	۲/۹۴	۲۰	سرباز
	۲/۷۹	۸۲۷	شاغل
	۲/۷۱	۲۱۱	بازنشسته

یافته‌ها بیانگر آن است میانگین انجام تکالیف شهروندی در بین زنان خانه‌دار برابر با ۳/۶۱، دانشجویان ۳/۴۶، دانش‌آموزان برابر با ۳/۳۱، بیکاران برابر با ۳/۴۹، سربازان برابر با ۳/۳۱، شاغلان برابر با ۳/۴۹ و نیز در بین بازنشستگان برابر با ۳/۴۹ است. این تفاوت از طریق آزمون تحلیل واریانس یک طرفه سطح معنادار مطلوبی را نشان می‌دهد. استفاده از آزمون پس از معناداری شفه نشان می‌دهد زنان خانه‌دار بیش از دانش‌آموزان و شاغلان و افراد بازنشسته بیش از دانشجویان و شاغلان به رعایت تکالیف شهروندی می‌پردازند.

جدول ۲۳- میانگین تکالیف شهروندی برحسب وضع فعالیت

وضعیت اشتغال	تعداد	تکالیف شهروندی	آزمون
خانه‌دار	۷۱۷	۳/۶۱	F= ۱۵ S = ۰/۰۰۰
دانشجو	۱۹۸	۳/۴۶	
دانش‌آموز	۲۰۷	۳/۳۱	
بیکار	۱۳۳	۳/۴۹	
سرباز	۱۹	۳/۳۱	
شاغل	۸۲۵	۳/۴۹	
بازنشسته	۲۱۰	۳/۶۸	

رابطه مدت سکونت در شهر تهران با حقوق و تکالیف شهروندی

نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر میزان سال‌های سکونت در شهر تهران با برخورداری از حقوق شهروندی با اطمینان ۹۹ درصد معنادار شده است.

این رابطه منفی و نسبتاً ضعیف است و هر چه افراد بیشتر در تهران زندگی کرده باشند، احساس می‌کنند از حقوق شهروندی کمتری برخوردار هستند و برعکس.

جدول ۲۴- رابطه حقوق شهروندی با مدت سکونت در شهر تهران

آزمون	حقوق شهروندی
ضریب همبستگی پیرسون	- ۰/۱۱
سطح معناداری	۰/۰۰۰
تعداد	۲۲۷۹

نتایج بیانگر آن است رابطه آماری بین دو متغیر میزان سال‌های سکونت در شهر تهران با رعایت تکالیف شهروندی معنادار شده است. این یافته به این معناست هر چه افراد سال‌های بیشتری در شهر تهران زندگی کرده باشند، احساس تکلیف بیشتری نموده و نیز بیشتر به رعایت وظایف شهروندی می‌پردازند.

جدول ۲۵- رابطه تکالیف شهروندی با مدت سکونت در شهر تهران

آزمون	تکالیف شهروندی
ضریب همبستگی پیرسون	۰/۱۵
سطح معناداری	۰/۰۰۰
تعداد	۲۲۷۴

بحث و نتیجه‌گیری

بی‌تردید شهروندی شاخصی کلیدی برای مدرن بودن یک جامعه به حساب می‌آید و از

همه مهمتر این که شهروندی دارای مجموعه گسترده‌ای از حقوق و تکالیف مدنی، سیاسی و اجتماعی است. بر این اساس شکل‌گیری شهروندی در ایران را می‌توان در دو سطح «شهروند ملی» و «شهروند شهری» بررسی کرد، اگرچه شهروندی جهانی هم سطحی است که در کل جهان و به تبع آن در ایران هم در حال ظهور و در برخی مناطق جهان دوران رشد و بلوغ خود را سپری می‌کند که یکی از ابعاد قابل ملاحظه در مطالعات شهروندی هر کشوری به حساب خواهد آمد اما تا آن زمان بحث متمرکز بر شهروندی شهری بوده است. در جامعه ما هویت شهروندی ملی در انقلاب مشروطه با تدوین قانون اساسی مشروطه و هنگامی که در متمم قانون برای اولین بار در فصلی از «حقوق ملت» یاد شد، رسمیت یافت. این از آن روست که تدوین قانون اساسی در هر کشور یکی از مبناهای شکل‌گیری شهروندی در قالب حقوق و تکالیف شهروندی محسوب می‌گردد و شهروندی شهری ذیل قانون اساسی هر کشور و متأثر از آن، ناظر به حقوق و مسئولیت‌هایی است که شهروندان نسبت به همدیگر، به شهر و به حکومت‌های شهری (شهرداری و شورای شهر) دارند. در این خصوص جامعه شهری ایران طی این قرن روند شهری شدن ناموزونی را تجربه کرده است.

در پژوهش حاضر به مطالعه و سنجش وضعیت حقوق و تکالیف شهروندی در شهر تهران (شهروند شهری) پرداخته شده است. در واقع شهروند شهری را از یک سو، می‌توان سوگیری‌های افراد نسبت به استحقاق در برخورداری از خدمات شهری مختلف، برابری در فرصت‌های عمومی و بهره‌مندی از امکانات و رفاه شهری دانست (حقوق شهروندی) و از سوی دیگر، مجموعه‌ای از مسئولیت‌ها، تمایلات کنشی افراد پیرامون تعهدات و مشارکت در امور شهر در نظر داشت (تکالیف شهروندی). بنابراین «شهروند شهری» دارای دو بعد اساسی «حقوق شهروندی» و «تکالیف شهروندی» است که در بخش زیر به تحلیل نتایج حاصل از بررسی این دو مفهوم پرداخته می‌شود: در این مطالعه به لحاظ عملیاتی برای سنجش مقیاس حقوق شهروندی، از ابعاد حق برخورداری از خدمات، حق پرسشگری و حق مشارکت شهروندان استفاده شده

است. بررسی‌های حاصل شده بیانگر آن است که ۳۵ درصد مردم شهر تهران میزان برخورداری از حقوق شهروندی را در حد کم، و در مقابل ۱۹ درصد آن را حد زیاد بیان داشته‌اند. هم‌چنین نتایج نشان می‌دهد که زنان تهرانی بیش از مردان به رعایت تکالیف شهروندی می‌پردازند. مجردان، کمتر از متأهلان و بدون همسران به انجام تکالیف شهروندی می‌پردازند. زنان خانه‌دار بیش از دانش‌آموزان و شاغلان و نیز افراد بازنشسته بیش از دانشجویان و شاغلان به انجام تکالیف شهروندی می‌پردازند. مقاطع تحصیلی افراد ارتباط معناداری به میزان انجام تکالیف شهروندی ندارد. افراد ۱۵ تا ۲۴ ساله جامعه در مقایسه با سایر گروه‌های سنی کمتر به رعایت تکالیف شهروندی می‌پردازند. افراد هر چه سال‌های بیشتری در شهر تهران زندگی کرده باشند، احساس تکلیف بیشتری نموده و نیز بیشتر به رعایت وظایف شهروندی می‌پردازند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت افراد جوان جامعه شهری تهران و نیز کسانی که عمدتاً در رفت و آمد به شهر تهران هستند و تعامل بیشتری در سطح شهر دارند تا مکانی برای اقامت در آن، کمتر به تکالیف شهروندی می‌پردازند. در ارتباط با قشر اول می‌توان به ضعف در اجتماعی‌شدن آنها اشاره کرد و در خصوص قشر دوم می‌توان به عدم احساس تعلق به شهر و جنبه بیگانگی شهر توجه کرد، به نحوی که منجر به عادی‌شدگی و عدم واکنش به تکالیف شهروندی می‌گردد.

بررسی نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات پیشین، از قبیل مطالعه صورت گرفته توسط شیانی (۱۳۸۲) پیرامون «وضعیت شهروندی» و موانع تحقق آن در ایران، نشان می‌دهد چنانچه وضعیت عمل شهروندی را در ابعاد مختلف متناسب و در راستای وضعیت شهروندی در پژوهش حاضر قرار دهیم؛ مشاهده می‌گردد که به طور کلی در شهر تهران حدود یک سوم از افراد میزان برخورداری از حقوق شهروندی را در حد کم بیان داشته ولی حدود یک‌پنجم عمل به وظایف شهروندی را در حد کم و نیز بیش از ۵۰ درصد در حد متوسط ارزیابی نموده‌اند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت شهروندی در جامعه ما در حد متوسط و کم در ابعاد نظری و عملی تحقق یافته است.

هم چنین طبق بررسی یوسفی و عظیمی‌هاشمی پیرامون تحلیل ثانویه احساس شهروندی در مراکز استان‌های ایران میانگین احساس شهروندی در دو بعد احساس برابری مشارکتی بر حسب مقیاس صفر تا ۱۰۰ برابر با ۴۹، فرصتی برابر با ۵۰/۴ در حد متوسط و بعد برابری توزیعی کمتر از حد متوسط (۴۶/۹) است، ولی احساس هویت سیاسی برابر با ۷۷ است که در حد بالا است. در واقع چنانچه برابری مشارکتی، فرصتی و توزیعی را جزو ابعاد سه‌گانه حقوق شهروندی بدانیم و نیز احساس هویت سیاسی را به عنوان شاخص تکالیف شهروندی بدانیم می‌توان یافته این تحقیق را با نتایج شیانی و مطالعه حاضر پیوند زد و بدین یافته دست یافت که از منظر شهروندان میزان برخورداری از حقوق شهروندی کمتر از میزان انجام تکالیف و وظایف شهروندی است. در تحلیل این وضعیت یوسفی و عظیمی‌هاشمی معتقدند: نکته مهم ضعف احساسات شهروندی در ابعاد سه‌گانه نخست ناشی از ضعف عملکرد حکومت در تأمین حقوق شهروندی است و انتظار می‌رود وفاداری به دولت را کاهش دهد. بالا بودن وفاداری در چنین شرایطی تنها می‌تواند بر این معنا دلالت داشته باشد که ذخائر مشروعیت دیگری وجود دارد که احساس هویت و وفاداری سیاسی را محفوظ نگه می‌دارد و مردم عملکرد حکومت یا حاکمان را از خود حکومت جدا می‌کنند (یوسفی و عظیمی‌هاشمی، ۱۳۸۸).

در پژوهش دیگری توسط، احمد غیاثوند حقوق و تکالیف شهروندی بر حسب انواع شهروندی سیاسی، اجتماعی و مدنی در شهر تهران که با تفکیک شهروندی اجتماعی به دو بعدی حقوق اجتماعی و تکالیف اجتماعی شهروندی انجام گرفته است ملاحظه می‌شود که نیمی از مردم شهر تهران خود را مقید و در مقابل حدود ۸ درصد چندان به وظایف اجتماعی متعهد نیستند. از طرفی حدود ۴۲ درصد در حد متوسط بدان اشاره نموده‌اند هم چنین ۱۲ درصد از پاسخ‌گویان به برابری و در مقابل ۴۳ درصد به نابرابری رعایت حقوق اجتماعی شهروندی در سطح جامعه اشاره کرده‌اند. به عبارتی کمتر از نیمی از مردم شهر تهران بیان داشته که فرصت‌ها و امکانات برابری در

بهره‌مندی از حقوق اجتماعی برای آنها میسر نیست. گرچه در این میان حدود ۴۵ درصد در حد متوسط بدان اشاره نموده‌اند.

در مجموع تحلیل نتایج و مقایسه مطالعات تجربی مختلف بیانگر آن است که میزان انجام تکالیف شهروندی در بین جامعه شهری ما بیش از میزان برخورداری از حقوق شهروندی است. چنانچه تشریح گردید مردم به وضعیت حقوق شهروندی نمره پایین و به انجام تکالیف شهروندی توسط خودشان نمره بالایی داده‌اند. این یافته‌ها مؤید این نکته است که میانگین حقوق و تکالیف شهروندی در سطح متوسط به پایین است.

از طرفی برای پیوند یافته‌های تجربی حاصل با مباحث نظری در سطحی کلان‌تر و از منظر رویکردهای شهروندی می‌توان نوعی تفاوت در گفتمان شهروندی را مشاهده نمود. در واقع می‌توان سنت‌ها و گفتمان‌های شهروندی مختلفی را از همدیگر متمایز نمود، به نحوی که می‌توان به سه سنت لیبرالیسم، اجتماع‌گرایی و جمهوری‌خواهی مدنی اشاره داشت. نخست، گفتمان لیبرال: در سنت لیبرال، شهروندی اساساً به مثابه حقوق فردی تعریف می‌شود. گفته می‌شود که این حقوق دارای چند کارکرد هستند. مهمترین کارکرد حقوق فردی این است که برخورداری از آنها استقلال فردی را به همراه می‌آورد. حقوق به افراد فضا می‌دهند تا منافعشان را توسعه دهند و نیروهای بالقوه را بدون دخالت افراد دیگر یا به طور کلی جامعه، تحقق بخشند (فالكس، ۱۳۸۱: ۷۸). دوم، گفتمان اجتماع‌گرایی: در حالی که اجتماع‌گرایی به دنبال توجه به اهمیت تعهدات است. همچنین سعی در تضمین حقوق دارد. رابطه حقوق و تکالیف مبتنی بر مبادله‌ای گسترده است، یعنی، از شهروندان ممکن است انتظار تعهدات کامل برود بدون این که انتظار برگشت فوری داشت. بنابراین در اجتماع‌گرایی تأکید آشکاری بر روی تعهدات وجود دارد. سوم، گفتمان جمهوری‌خواهی مدنی: در این رویکرد مفهوم شهروندی تأکید بر عمل و وظایف دارد. شبکه روابط اجتماعی بر خلاف فردگرایی لیبرال، قراردادی نیست، بلکه بر اساس اشتراک و تعیین یک روش زندگی است. این

روش زندگی یک تعهد مشترک به عمل است. در واقع فرآیندی است که موجب همبستگی و وفاق اجتماعی می‌شود (اوفیلد، ۱۹۹۰ به نقل از . Turner & Hamilton, 1994:189)

در نهایت می‌توان چنین قضاوت نمود که نظرات و گرایش‌ها شهروندان تهرانی بیشتر در «گفتمان لیبرالیسم» جای دارد، به نحوی که بیشتر به دنبال احقاق حقوق‌شان هستند. و از طرفی روند تحولات در اکثر جوامع جدید تحت تأثیر جهانی شدن هستند و آگاهی‌بخشی‌های مدرن به نوبه خود بدین امر دامن می‌زنند. در مقابل نظرات مدیران در «رویکرد اجتماع‌گرایی» جای دارد البته با تأسی از «ترنر» پیرامون عضویت فعال و منفعل در حوزه شهروندی می‌توان بدین نتیجه رسید که گرایش مردم به برخورداری از حقوق شهروندی منفعلانه است، و از طرفی می‌توان میزان انجام تکالیف را سطحی و منفعلانه دانست. بنابراین وضعیت حقوق و تکالیف شهروندی در عین تفاوت در رویکرد و گفتمان در یک سطح (منفعل) قرار دارند و جامعه شهری دچار بحران و بهم‌ریختگی نمی‌شود.

منابع

- نجاتی حسینی، محمود. (۱۳۸۰)، بررسی جایگاه مفهوم شهروندی در قانون شهرداری، تهران: سازمان شهرداری‌های کشور.
- شیانی، ملیحه. (۱۳۸۱)، شهروندی و رفاه اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۴.
- شیانی، ملیحه. (۱۳۸۲)، وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.
- شیانی، ملیحه. (۱۳۸۴)، تحلیلی جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان، مجله جامعه‌شناسی ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۳، تهران.

- غیاثوند، احمد. (۱۳۹۰)، گرایش به شهروندی سیاسی و عوامل مؤثر بر آن، رساله مقطع دکتری رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- فالکس، کیث. (۱۳۸۱)، شهروندی، ترجمه محمد تقی دلفروز، انتشارات کویر، تهران.
- فیتزپتریک، تونی. (۱۳۸۱)، نظریه رفاه، ترجمه هرمز همایون‌پور، تهران، موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی،
- گیدنز، انتونی. (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی، ترجمه ثلاثی، تهران، انتشارات علمی
- لکسو، لیزا. (۱۳۸۱)، «شهروندی جهانی» راهبرد، نشریه مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۲۳.
- محمدی، محمدعلی، شیانی، ملیحه. (۱۳۹۲)، هویت شهروندی در ایران، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران،
- مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران. (۱۳۸۴)، خلاصه‌ای از ویژگی‌های عمومی شهر تهران، نهاد مدیریت و برنامه‌ریزی تهیه طرح‌های توسعه شهری تهران، شماره گزارش ۲۳۲-۸۴.
- نش، کیث. (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران انتشارات کویر.
- یوسفی، علی؛ عظیمی هاشمی، مژگان. (۱۳۸۷)، احساس شهروندی در مراکز استان های ایران مجله: جامعه‌شناسی ایران دوره نهم، شماره ۳ و ۴
- پدرام، مسعود. (۱۳۸۸)، سپهر عمومی: روایتی دیگر از سیاست: نظریات آرنست و هابرماس، تهران: یادآوران.

- Giddens, Anthony. (1987). Class structure and urban society' university of California press.

- Giddens. Anthony. (2000). The third way: the renewal of social democracy. London: Black well
- Habermas, Jurgen. (1994). “Citizenship And National Identity” In The Condition Of Citizenship , Edited By Bart Van Steenbergen Sage Publications, London
- Isin.F.E & Wood.P.K. (1999). "Citizenship & Identity,"Sage Publication, in association with theory culture & society series.
- Janoski,T. (1998). citizenship and civil society,UK: Cabridge University Press.
- Oldfield . A. (1990). Citizenship And Community : Civic Republicanism And The Modern World ,London : Rout Ledge
- Oldfield . A. (1990). Citizenship : An Unnatural Practice ? In B. S turner And P.
- Hamilton (Ed). Citizenship Critical Concepts , London : Routledge
- Passewitz, Gregory R. and Joseph F. Donnermeyer(1989). "Self-Interest and Volunteerism: Analysis of a Statewide Association." *Journal of the Community Development Society*, 20 (1) :37-54,.
- Taylor. D. (1992). Commentary On Social Policy : A Big Idea For The Minorities ? The Rise Of Chariers Critical Social Policy
- Taylor. D. (1992). Commentary On Social Policy : A Big Idea For The Minorities ? The Rise Of Chariers Critical Social Policy . London : Sage .
- Turner . B. S. (2000). Liberal Citizenship And Consinopolitical Virtue In A Vandenberg Ed Citizenship And Deanacvay In Global Era . London : Mac Millan
- Turner . B. S. (2000). Islam , Civil Society And Citizenship Reflections On The Sociology Of Citizenship And Islamic Studies In N.A.

۱۳۶ فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال نهم، شماره ۳۴، بهار ۱۳۹۷

Butenschon Et Al . Ed , Citizenship And The State In Middle East .
Syracuse University Press.

– Janoski, T. (1998). citizenship and civil society, UK: Cabridge University
Press.